

شلیک یک موشک پیشرفتهٔ مجهز به کلاهک خوشه‌ای از یمن به سرزمین‌های اشغالی، صهیونیست‌ها را آشفته کرده است

شکست سه‌تاد ارتش آمریکا



سیدمهدی طالبی

پژوهشگر حوزه بین‌الملل

با گذشت ۴ روز از حمله موشکی جمعه شب (۳۱ مرداد ۱۴۰۴، ۲۲ اوت ۲۰۲۵) یمن به فلسطین اشغالی و ۲ روز از پاسخ تلافی جویانه رژیم صهیونی به این کشور در روز یکشنبه (۲ شهریور ۱۴۰۴، ۲۴ اوت ۲۰۲۵)، بحث‌ها همچنان حول کلاهک خاص استفاده شده در این حمله ادامه دارد. صهیونیست‌ها می‌گویند کلاهک موشک‌بمبی در آسمان تقسیم‌شده‌و از این رو این کشوربرای نخستین‌بار از کلاهک خوشه‌ای علیه رژیم صهیونی استفاده کرده است. منابع عبری می‌گویند برای رهگیری این موشک از ۵ موشک پدافندی شامل دو موشک تاد، دو موشک پیکان ۳ و یک موشک فلاخن داود استفاده شده اما تمام آن‌ها ناکام مانده‌اند. گنبد آهنین که آخرین لایه بود، نه‌تنها از واکنش بازماند، بلکه گزارش‌هایی از وارد آمدن آسیب به پرسنل و تجهیزات یک سامانه آن منتشر شده است.

فشارهای ناشی از این حمله باعث شد تا «ایسرائیل کانس»، وزیر جنگ رژیم صهیونی پس از حملات به یمن ادعا کند که «به‌زودی عملیات طاعون نخست‌زادگان را در یمن اجرا می‌کنیم.»

«طاعون نخست‌زادگان» افسانه‌ای از کتب دینی یهودی است که بر مبنای آن، خداوند برای آنکه مصریان اجازه خروج بنی اسرائیل از مصر را بدهند، ۱۰ بلار بر سر آن‌ها نازل کرد که آخرینشان طاعون نخست‌زادگان بود؛ در این طاعون نخستین فرزند انسان‌ها و حتی حیوانات متعلق به مصریان از بین رفتند. و در نتیجه خود آن‌ها زینی اسرائیل خواستند که این سرزمین را ترک کنند. نام‌گذاری عملیات علی‌بیم، نشان‌می‌دهد صهیونیست‌ها قصد دارند سلسله عملیات‌های سنگین و ترکیبی را علیه این کشور به اجرا درآورند. از سسوی دیگر نام‌گذاری آن بر اساس کتب عهد عتیق، تلاشی برای روحیه دهی به ساکنان سرزمین‌های اشغالی است که در این دوره شامل راست‌گرایان و راست‌های افراطی بسیاری می‌شوند.

■ ■ ■

نکات

در خصوص عملیات یمنی‌ها نکاتی وجود دارد که در ادامه آمده‌اند.

اتاق فکری که نداریم!

محمدعلی روحیمئی‌نژاد

پژوهشگر مسائل بین‌الملل

انديشكده‌ها به عنوان مركز سياست‌گذاري و تصميم‌گيري نقش مهمی در اداره جوامع توسعه‌یافته دارند. در کشور ما با وجود آگاهی از اهمیت آن، اقدامات عملیاتی مناسبی برای نقش‌آفرینی اندیشکده‌ها انجام نمی‌شود. ما اندیشکده‌های کارآمدی که بتوانند برنامه‌های راهبردی کلان را برای هر دولتی الزام‌آور نماید، نداریم و نتیجه آن می‌شود که در شرایط جنگی صدای واحدی علیه کشورهای متخاصم در کشور شنیده نشود!

مهرماه ۱۴۰۳ بود که رهبر انقلاب در دیدار با نخبگان و استعدادهای برتر علمی، ضرورت ایجاد و استفاده از اندیشکده‌ها را مطرح و تحقق آن را به معاونت علمی، فناوری و توسعه اقتصاد دانش‌بنیان ریاست‌جمهوری سپردند. ایشان در این دیدار فرمودند: «عرصه دیگر نقش‌آفرینی نخبگان تشکیل اندیشکده‌ها به عنوان مجمع نخبگان هر رشته علمی است که در این زمینه نیز معاونت علمی، حلقه وصل آن‌ها با مراکز ذی‌ربط است، ضمن آنکه دیوان‌سالاری‌ها هم که برای روحیه طرف نخبگان واقعا مهلک است باید حذف شوند.»

اما چرا این وظیفه به نخبگان سپرده شد؟ در پاسخ باید گفت در جهان امروز، اندیشکده‌ها (Think Tanks) به عنوان مراکز تأثیرگذار در سیاست‌گذاری، تحلیل راهبردی و ارائه راهکارهای علمی به دولت‌ها، نهادهای بین‌المللی و بخش خصوصی شناخته می‌شوند. این موسسات با گردآوری متخصصان رشته‌های مختلف، از اقتصاد و روابط بین‌الملل تا فناوری و امنیت ملی، به تولید دانش کار بردی می‌پردازند و نقش کلیدی در شکل‌دهی به تصمیم‌گیری‌های کلان ایفا می‌کنند. از وظایف مهم اندیشکده‌ها ارائه تحلیل راهبردی، ارائه مشاوره تخصصی به دولت‌ها، پارلمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، پیش‌بینی روندهای آینده و ایجاد پل ارتباطی بین دانشگاه‌ها و سیاستمداران است. از همین رو حضور و نقش‌آفرینی نخبگان در دانش در اندیشکده‌ها برای اتخاذ بهترین تصمیمات ممکن، ضروری خواهد بود. از طرفی نخبگان در کشورهای پیشرو در عالی‌ترین نهادهای سیاسی نیز فعالیت دارند و نتایج پژوهش اندیشکده‌ها را به اجرا می‌رسانند. چیزی که در کشور ما عملاً شکل نگرفته است!

درواقع در شرایط فعلی در حوزه اندیشکده‌ها سه مسئله اصلی یعنی تعداد کم اندیشکده‌ها متناسب با نیازهای کشور، عدم بلوغ اندیشکده‌ها در جهت تدوین برنامه‌های عملیاتی و کلان و نگرش مقطعی به اندیشکده‌ها وجود دارد. نتیجه این چالش‌ها نگرش پروژه‌محور به اندیشکده‌ها و عدم شکل‌گیری مطالعات راهبردی بلندمدت برای حل مشکلات اساسی کشور است. در ادامه رویکرد اقتضایی اندیشکده‌های فعلی صرفاً با هدف بقای اندیشکده و انجام سفارشات تصمیم‌گیران انجام می‌شود.

نتیجه عدم استفاده از نخبگان و عدم ایجاد اندیشکده‌های کارآمد، هم اکنون کاملاً عینی شده است؛ بحران‌های متعدد زیست‌محیطی از جمله چالش آب، چالش عدم استفاده مطلوب از سرمایه انسانی، چالش جریان‌ات سیاسی و حکمرانی و... همه و همه از سطح خرد تا کلان همگی ناشی از عدم استفاده از نخبگان و اندیشکده‌ها در تصمیمات بوده است؛ جالب اینکه برخی تصمیمات اشتباه مانند استقرار صنایع سنگین در استان‌های کویری و مرکز کشور به جای اصلاح همچنان در مسیر استمرار قرار دارند. برخی معتقدند علت چنین پدیده‌هایی که ماغیر با منافع ملی است، تصمیمات سیاسی دوره‌می بدون انجام کار تخصصی توسط نخبگان است! این تصمیمات نادرست منجر به چرخه تداوم اشتباهات گردیده که همچنان ادامه دارد. به عنوان مثال وقتی یک منطقه کویری به واسطه تصمیمات سیاسی از صنایع سنگین برخوردار می‌شود، دیگر مناطق دارای مشکل آب نیز، بدون توجه به عواقب این مسئله به دنبال استقرار این صنایع می‌روند و نتیجه همین می‌شود که در کشور شاهد هستیم در اینجا ما به جای آنکه نتیجه کار نخبگان را ببینیم که منجر به طرح و برنامه عملیاتی بشود، شاهد آن هستیم که تز و ادعای سیاسی‌بونی که به قدرت می‌رسند، به طرح و برنامه عملیاتی منجر شده که عمدتاً پشتوانه علمی و اجرایی موثقی ندارد! جالب آنکه در برنامه‌های کلان افزایش جمعیت مناطق ساحلی به عنوان هدف مطرح می‌شود اما خبری از انتقال صنایع و نهادهای اقتصادی به این مناطق نیست! در نتیجه اهداف مطرح شده در حد شعارهای بی‌نتیجه به ثمر نخواهد نشست.

نتیجه نبود اندیشکده‌های حکمرانی کارآمد، عواقب به مراتب سنگین‌تری

۱ منابع عبری ادعا می‌کنند که در جریان عملیات وعده صادق-۳ در دو نوبت و در حملات یمن به سرزمین‌های اشغالی، دست کم یک نوبت از موشک‌های مجهز به کلاهک بارشی برای هدف قراردادن صهیونیست‌ها استفاده شده است. در جریان جنگ با ایران به کارگیری این نوع کلاهک‌ها باعث شگفت‌زدگی رژیم صهیونی و درخواست فوری کمک از متحان غربی شد.

۲ بر اساس یک الگور اگر رژیم صهیونی موفق به رهگیری موشک پرتاب شده از سمت یمن شود، واکنش تهاجمی نشان نمی‌دهد؛ اما اگر موشک از تور پدافندی عبور کند، واکنش صورت می‌گیرد. در این نوبت نیز صهیونیست‌ها قادر به رهگیری موشک با لایوشانی اصابت‌ها نشدند و در نتیجه با استفاده از ۱۲ جنگنده، در مجموع ۳۵ پرتابه را به سمت اهدافی در یمن شلیک کردند. کاخ تخلیه شده ریاست‌جمهوری و تعدادی از مراکز ذخیره‌سازی سوخت هدف این حملات بودند.

۳ سامانه‌های پدافندی رژیم صهیونی در برابر تک موشک‌های بارشی نیز دچار مشکل می‌شود و اگر با موجی از آن‌ها روبه‌رو شود، مشکلات بیشتر خواهد شد. در حملات ایران و یمن تاکنون استفاده به شکل تک موشک بوده و در هر بار رژیم صهیونی واکنشی عصبی نشان داده که نشان‌دهنده تأثیر بالای کلاهک‌های بارشی بر وضعیت آن است.

۴ هنگام ورود موشک مجهز به کلاهک بارشی به فضای فلسطین اشغالی، سامانه پدافندی رژیم برای مقابله با آن یک یا دو موشک پرتاب می‌کند تا کلاهک آن را هدف قرار دهند، اگر کلاهک تقسیم‌شود، آنگاه دیگر فرصت کافی برای واکنش و شلیک موشک رهگیر بیشتر وجود نخواهد داشت. همچنین استفاده از کلاهک‌های بارشی در حملات موجی باعث اشباع سامانه پدافندی دشمن می‌شود.

۵ گفته می‌شود یکی از کلاهک‌ها به نزدیکی یک سامانه گنبد آهنین برخورد کرده است؛ این اتفاق از دو احتمال ریشه می‌گیرد؛ نخست مجهز شدن موشک‌های بالستیک به کلاهک‌های شتمشع‌یاب برای تشخیص موقعیت رادار مرکزی سامانه پدافندی و انهدام آن که این اتفاق در مرحله کنونی دور از ذهن است. دومین راه یافتن موقعیت جغرافیایی سامانه‌های پدافندی دشمن از راه تصاویر ماهواره‌ای و جاسوسی و هدف قرار دادن محدوده آن‌ها با کلاهک‌های بارشی- مجهز به فیوزهای متعدد انفجاری برای نابودی سامانه است که این مورد احتمال بیشتری دارد.

۶ یمن دو تحول عمده را در ماه‌های اخیر علیه رژیم صهیونی ثبت کرده است؛ استفاده از پدافند هوایی مؤثر و دوم بهره‌گیری از کلاهک بارشی. سیر تحولات نظامی و راهبردی در جبهه یمن نشان می‌دهد شگفتی‌های بیشتری از این جبهه در راه است که به تدریج رونمایی شده و مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۷ یمن با توجه به وضعیت حساس منطقه که در آن احتمال مبادرت رژیم به ایجاد جنگ با خود این کشور، ایران، عراق و لبنان می‌رفت تعداد پرتابه‌های خود به سرزمین‌های اشغالی را کاهش داد. این اقدام برای ذخیره‌سازی و استفاده از موشک‌ها در هنگام وقعی جنگ بود.

به نظر می‌رسد یمنی‌ها با به کارگیری کلاهک‌های بارشی درصدد پوشش شکافی هستند که الزامات جدید برای آمادگی جهت جنگ ایجاد کرده‌اند. در این روش جدید به جای پرتاب‌های موشکی متعدد، موشکی مجهز به کلاهک بارشی پرتاب می‌شود تا در پی تبعات ناشی از آن، ریختن و توزیع آتش در سرزمین‌های اشغالی و ناامن‌سازی این سرزمین ادامه یابد.

۸ باالتیک‌یک آتشبار دیگر از سامانه تاد، تعداد این سامانه‌ها در سرزمین‌های اشغالی به سه مورد رسید. هر آتش بار شامل ۶ خودرو هرکام ۸ موشک و در مجموع ۴۸ موشک است. در جمع بین سه آتشبار، تعداد موشک‌های آماده به فعالیت به ۱۴۴ فروند می‌رسند. با این حال اینکه هر آتش بار ۴۸ موشک دارد، به این معنا نیست که می‌تواند با همین تعداد موشک بالستیک درگیر شود. عدد دیگری تاد اعلام شده اما بر اساس تخمین‌ها می‌تواند هم‌زمان با ۱۰ تا ۲۰ موشک به صورت هم‌زمان درگیر شده و به سمت آن‌ها موشک رهگیر پرتاب کند.

بر این اساس ظرفیت درگیری سه آتش بار تاد در سرزمین‌های اشغالی معادل ۳۰ تا ۶۰ موشک است. البته باید در نظر داشت که دشواری‌های فنی مانع از تجمع توان هر سه آتش بار تاد خواهد شد. این دشواری فنی به این معناست که اگر هم‌زمان ۳۰ تا ۶۰ موشک بالستیک در آسمان سرزمین‌های اشغالی ظاهر شوند، این سه آتش بار بدون تداخل قادر به تجمع ظرفیت درگیری در طول کامل نیستند؛ گرچه نباید از توانمندی‌های دشمن در ایجاد هماهنگی میان واحدهای مختلف چشم‌پوشید.

۹ یمن پیش از ایران دچار جنگ بوده و اهداف نظامی آن هم‌زمان زیر آتش آمریکا و رژیم صهیونی قرار داشت و تلاش می‌شد شهرهای زیرزمینی موشکی و پرتابگر هایش هدف قرار گیرند، اما شلیک‌ها از یمن همچنان ادامه دارد و در حال رشد است. اگر قدرت موشکی یمن در جغرافیایی کوچکتر، با

گروهک‌های تروریستی و رسانه‌ها، با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین سناریویی کم‌سابقه برای تضعیف روحیهٔ ملی طراحی کردند

هوش مصنوعی

سلاح پنهان دشمن در جنگ ۱۲ روزه

در عصری که فناوری‌های دیجیتال و هوش مصنوعی مرزهای جنگ را بازتعریف می‌کنند، گروهک‌های تروریستی با حمایت قدرت‌های خارجی به ابزارهای پیچیده‌ای برای جنگ ترکیبی- شناختی علیه امنیت ملی تبدیل شده‌اند. جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم صهیونیستی، صحنه‌ای بی‌نظیر از به‌کارگیری هم‌زمان هوش مصنوعی، عملیات روانی پیشرفته و تروریسم رسانه‌ای بود که در آن، گروهک‌های معاند با استفاده از آخرین تکنیک‌های دیجیتال، حملات بی‌سابقه‌ای را علیه روان جامعه ایرانی طراحی و اجرا کردند. در این گفت‌وگوی تخصصی با سید عبدالمجید زواری، دکتری روابط بین‌الملل و مدیر اندیشکده روابط بین‌الملل، به واکاوی ابعاد نوین این تهدید می‌پردازیم. این گفت‌وگو به دنبال کشف لایه‌های پنهان جنگ رسانه‌ای-اطلاع‌ای اخیر و ارائه راهبردهایی برای تقویت ایمن‌سازی در برابر تهدیدات نوین است.

■ ■ ■

با توجه به تجربه جنگ دوازده روزه، کدام مؤلفه از جنگ ترکیبی- شناختی توسط دشمن با بیشترین اثربخشی اجرا شد؟

با توجه به اقدامات مختلفی که در زمینه آشنایی با تکنیک‌های جنگ شناختی انجام شده بود، در جنگ اخیر دشمن با ترکیبی از تمامی ابزارهای جنگ شناختی، یکی از پیچیده‌ترین حملات شناختی را علیه مردم ایران اجرا کرد. در این جنگ، تمامی ابزارهای روانی، سایبری و رسانه‌ای به‌صورت مکمل برای یکدیگر عمل می‌کردند؛ بدین ترتیب که از طریق تحلیل رفتار کاربران اینترنِت و تلفن همراه، ابوهی از داده‌ها و اطلاعات ارزشمند از احساسات، باورها، موقعیت مکانی، اثربخشی حملات و به‌طور کلی عمیق‌ترین لایه‌های اجتماعی ایران در اختیار دشمن قرار می‌گرفت و بر اساس آن سازمان‌رویهای رسانه‌ای در جهت تشدید عملیات روانی، القای ترس، ترویج شایعه، بی‌اعتمادی، ناامنی، دعوت به خریدهای هیجانی و ایجاد قحطی‌های مصنوعی، عوت به خرید دلار و طلا با هدف سقوط پول ملی، تهدید برخی مقامات و فرماندهان نظامی، دعوت به اعلام برائت از جمهوری اسلامی، ایجاد جنگ اجتماعی و دعوت به وحش و جنگ شهری، احساس تردید در بین سطوح مختلف مقامات، دیپلمات‌ها و حتی نظامیان برای جلوگیری واکنش و تجاوزات دشمن و یا پیگیری در مجامع بین‌المللی اجرا می‌شد. از سوی دیگر، تحت تأثیر این حجم انبوه از اخبار و تحلیل‌های مسموم رسانه‌ها، حجم انبوهی از محتوای جدید مایوسانه و دعوت به اقدامات هیجانی توسط کاربران در شبکه‌های مجازی تولید می‌شد که همه این‌ها به تقویت چرخه احساس ترس، ناامنی و سردرگمی و نهایتاً تحقق اهداف جنگ روانی دشمن منجر می‌شد.

گروهک‌های تروریستی چگونه از هوش مصنوعی و ابزارهای دیجیتال در جنگ دوازده روزه استفاده کردند؟

هوش مصنوعی نقش پررنگی در حوزه‌های مختلف از جمله در تولید و انتشار حجم انبوهی از اطلاعات و تصاویر واقعی یا غیرواقعی ایفا کرد. به نظر بنده، در جنگ اخیر بیشترین استفاده گروه‌های تروریستی از هوش مصنوعی و ابزارهای دیجیتال در زمینه تولید حجم انبوه محتوا و سرعت بالای انتشار در شبکه‌های اجتماعی و نهایتاً تبدیل این سوزها به درندهای روز بود. البته این حجم از عملیات بدون همکاری مستقیم سازمان‌ها و سرویس‌های اطلاعاتی مقدور نیست.

در جنگ، مؤسسات رسانه‌ای بین‌المللی چگونه در هماهنگی با گروهک‌های تروریستی به تقویت روایت دشمن در جنگ ترکیبی- شناختی کمک کردند؟

رسانه‌هایی مثل بی‌بی‌سی و ایران اینترنشنال، در درجه اول با دعوت از چهره‌های وابسته به گروهک‌های تروریستی، ضمن وزدن‌هی و امکان طرح دیدگاه‌های این افسردبرای مخاطب، این فرصت را در اختیار این گروه‌ها قرار می‌دهند تا ضمن سفیدشویی جنایت‌های گذشته خود، از اقدامات خود قبح‌زدایی کنند. در درجه دوم، این افراد که به عنوان کارشناس معرفی می‌شوند، با طرح دیدگاه‌های مسموم

زیرساخت‌های کمتر و مدت زمان طولانی جنگ و بمباران مهار نشده است، رژیم

صهیونی و آمریکا چگونه می‌خواهند قدرت موشکی ایران را مهار کنند؟

۱۰ موشک پرتاب شده توسط یمن تقریباً تمام لایه‌های ارتفاع بالا، میانی و ارتفاع پایین را درگیر کرد؛ این پدیده به این معناست که هر تیر موشک خوشه‌ای خواهد توانست به سرعت موشک‌های همرسه لایه را به سرعت تخلیه کند. در این صورت تاب‌آوری رژیم صهیونی در جنگ شدید با محور مقاومت به سرعت کاهش می‌یابد. در دور قبلی، تاب‌آوری رژیم صهیونی تا ۱۲ روز بود و تل آویو با دو اقدام شامل ورود آمریکا به عرصه و پیشنهاد آتش‌بس، خود را رهاند.

۱۱ موشک پرتاب شده توسط یمن هر چند دارای کلاهک خوشه‌ای بود، اما این کلاهک‌ها معمولاً در ارتفاع ۷ کیلومتری از سطح زمین تقسیم می‌شوند که در بردرگیری گنبد آهنین است. تقسیم‌شدن کلاهک خوشه‌ای موشک یعنی در شرایطی انجام شده که کلاهک اولیه موشک موفق به عبور از سامانه‌های ارتفاع بالا شامل تاد و پیکان و ارتفاع متوسط شامل پاتریوت و فلاخن داوود شده است. وجود کلاهک خوشه‌ای نباید باعث نادیده‌انگاشتن عبور این تک موشک شود. حملات موشکی از یمن به سمت سرزمین‌های اشغالی دشوارتر از حملات از ایران به آن است.

یمن فاصله بیشتری با سرزمین‌های اشغالی دارد که تقریباً دو برابر فاصله ایران است و از سوی دیگر حفاصل این کشور تا فلسطین اشغالی پدافند زمین پایه عربستان سعودی و پدافند دریاییه آمریکا، اروپا و خود صهیونیست‌ها حضور دارند. عبور تک موشک یمنی‌ها از این دیواره‌های آتش برای چندمین بار رخ داده و وجود نقص جدی در سامانه‌های پدافندی غرب آشکار می‌کند. این تک‌شلیک‌ها عمالاً به معنای دوئل تکی با مجموعه‌ای لایه‌های متعدد پدافندی است.

۱۲ موشک‌های پرتاب شده از یمن عمدتاً از نوع مایل پرتاب هستند. این موشک‌ها از نوع بالستیک تاکتیکی بوده که بردشان بسیار افزایش یافته است. بالستیک‌های تاکتیکی معمولاً بردی زیر هزار کیلومتر دارند اما برد آن‌ها در محور مقاومت به نزدیک ۲ هزار و سپس به فراتر از آن رسیده است. این مسئله نشان می‌دهد مقاومت با تک‌شلیک از موشک‌های بالستیک تاکتیکی خود قادر به شکافتن تور دفاعی دشمن در محدوده‌ای وسیع است و این قابلیت با بهره‌گیری از بالستیک‌های سنگین و جدید بیشتر خواهد بود.

■ ■ ■

خوددر مسائلی همچون بزرگ‌نمایی قدرت دشمن، کم‌اهمیت‌یابی تأثیر نشان دادن

حملات ایران، القای یأس و ناامیدی و دیگر تکنیک‌های جنگ شناختی، نهایتاً به دنبال تشدید پیامدهای عملیات روانی دشمن علیه شهر وندان ایران برای متقاعدکردن آن‌ها به تسلیم بی‌چون و چرادر برابر دشمن خارجی هستند. در ادامه، نمونه‌هایی از خط خبری این رسانه‌ها در جهت تشدید جنگ شناختی دشمن را ذکر می‌کنم.

روزاول: القای قدرت برتر اسرائیل در مواجهه با ایران به‌دلیل حمله برق‌آسا وحذف شمار زیادی از فرماندهان و دانشمندان کشور؛ ناتوانی ایران در زمینه پاسخگویی. روز دوم تا نهم: غیر مؤثر بودن حملات ایران به اسرائیل؛ دعوت مردم به شورش اجتماعی؛ حمله ایران به اماکن مسکونی؛ غیبت مقام معظم رهبری؛ دعوت به خریدهای هیجانی کالا‌های اساسی، ارزودلار با هدف قحطی‌سازی مصنوعی؛ القای ترس از مشارکت آمریکا در حمله به ایران؛ تغییر نظام قبح‌زدایی از همراهی برخی گروه‌های پوزیسسیون با تجاوز دشمن و تأکید بر اینکه «ما برای مبارزه با جمهوری اسلامی با دشمن همکاری می‌کنیم».

روز دهم: بزرگ‌نمایی حمله آمریکا به ایران؛ ناتوانی ایران در پاسخ به آمریکا و سناریو پردازی در مورد نابودی تمامی زیرساخت‌های کشور در صورت حمله به منافع آمریکا. روز یازدهم: کوچک‌نمایی حمله ایران به پایگاه‌العلبد آمریکا و بی‌تأثیر بودن آن؛ بزرگ‌نمایی بیانیه‌های کشورهای عربی در محکومیت حمله ایران؛ ابهام در مورد چرایی توبیت ترامپ در مورد آتش‌بس؛ دانستن سراسری در مورد اینکه علت درخواست آتش‌بس از سوی ترامپ و نتانیاهو به‌دلیل موفقیت آن‌ها در دستیابی به اهدافشان در نابودی برنامه هسته‌ای بوده است؛ بازنده اعلام‌کردن ایران بدون ارائه هیچ دلیل مشخص؛ دعوت از مردم برای شورش با این جمله که «ما راه را برای شما صاف کردیم، بقیه‌اش با شما»!

روز آخر: ارائه شبهه‌شبهه اسرائیل به‌عنوان برگ برنده و گواهی بر پیروزی پر قدرت نتانیاهو؛ انتشار قطره‌چکانی تلفات اسرائیل بر اثر حمله سنگین ایران؛ اعلام تقض آتش‌بس از سسوی ایران و تأکید بر نظرات مقامات صهیونیستی مبنی بر پاسخ سهمگین به ایران؛ انتشار چند توییت از ترامپ مبنی بر سرزنش و منع نتانیاهو از هرگونه حمله احتمالی علیه ایران. پس از اجرایی‌شدن آتش‌بس؛ سروش گذاشتن بر خسارات وارده‌شده به اسرائیل؛ انتشار چند توییت و اظهار نظر از سوی ترامپ مبنی بر اینکه همه طرف‌ها عزم از ایران، اسرائیل و آمریکا پیروز نبرد هستند؛ انتشار گزارش نهادهای اطلاعاتی آمریکا و اسرائیلی مبنی بر غیر مؤثر بودن حملات آمریکا و اسرائیل در نابودی کامل تأسیسات هسته‌ای ایران و تأکید بر اینکه صرفاً این حملات چند ماه برنامه ایران را عقب انداخته است.

برای مقابله با تروریسم شناختی گروهک‌ها، چه راهکارهای آفندی پیشنهاد می‌کنید؟ آیا ایران تاکنون اقدامات موفقیت‌آمیزی در این زمینه داشته است؟

به‌طور کلی، مجموعه اقدامات ایران باید به‌گونه‌ای طراحی شود که هزینه همکاری با رسانه‌های دشمن به قدری بالا باشد که از نظر هزینه‌فایده و محاسبه ریسک، کمتر کسی حاضر به همکاری با آن‌ها شود. این اقداماتی می‌تواند از طریق هشدار درباره پیامدهای هرگونه همکاری با رسانه‌های دشمن، افشای اسناد همکاری آن‌ها با سازمان‌های اطلاعاتی، اعتبارزدایی و ناامن کردن محیط برای عوامل این رسانه‌ها انجام شود.

براین اساس، هرچند اقدامات گروه‌هایی همچون حنظله مبنی بر هک سرورهای شبکه ایران اینترنشنال گام مثبت است، اما این اقدامات زمانی مؤثر است که بتوان با بهره‌برداری از اسناد کشف‌شده، ضمن اعتبارزدایی از این شبکه در بین مخاطبان فارسی‌زبان، با بالا بردن ریسک همکاری و ارسال مطلب برای این شبکه، عملاً بخش قابل توجهی از منابع محتوایی این شبکه در داخل کشور از بین رفته و نهایتاً با افزایش فشارها، زمینه برای جدایی کارمندان فعلی شبکه و انحلال آن فراهم شود.